



«یک پرونده کهنه»:

ممیزی سیاسی کتاب در حقوق ایران

وحید آگاه^۱، زهره برادران مفید آستانه^۲

چکیده

کتاب علی‌رغم برخورداری از حمایت آزادی بیان در قانون اساسی ایران، در حقوق موضوعه با ممیزی مواجه است. وفق ماده ۴ «مصوبه اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» مصوب ۱۳۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مواردی ذیل عنوان «سیاست و اجتماع» ذکر شده که تحت ممیزی سیاسی ارزیابی می‌شود. در این پژوهش، فارغ از اینکه شورا صلاحیتی در ایجاد محدودیت در آزادی بیان ندارد، جهات ممیزی سیاسی در مصوبه شورا با قوانین انطباق داده شده است. نتیجه اما، حکایت از این دارد که مقرر شورا، در موارد توهین به مقامات و افشای غیرقانونی اسناد طبقه‌بندی شده، مغایرتی با قوانین ندارد. اما جهات ممیزی با عنوان «تبلیغ و معارضة با قانون اساسی و انقلاب»، «برانگیختن جامعه به قیام علیه نظام و انقلاب»، «ترویج عناصر ضدانقلاب و نظام‌های لائیک و سلطنتی»، «تبلیغ وابستگی به قدرت‌های سلطه‌جو و ضدیت با استقلال کشور»، «تبلیغ علیه منافع و امنیت ملی و ناکارآمد جلوه دادن نظام» و «اخلال و تشکیک در وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور»، به دلایل ذیل، «تاریخی بودن پدیده انقلاب و عدم امکان جرم‌انگاری ضدیت با تاریخ، پیش‌بینی جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام در قانون و نیاز قیام علیه دولت به اقدام عملی، ناممکن بودن مخالفت یا موافقت مطلق با انواع رژیم‌های سیاسی که از مفاهیم حقوق عمومی و علوم سیاسی هستند، غیرعقلانی بودن معرفی اندیشه‌ها و اصطلاحات علمی به عنوان خط قرمز کتاب، مبهم و کلی بودن واژگان امنیت یا منافع ملی و استخراج جرائم متعدد از آنها» با قوانین مغایرت داشته و شایسته اصلاحند.

واژگان کلیدی: آزادی بیان، حقوق کتاب، سانسور، ممیزی سیاسی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱. نام کتابی از رضا جولایی، تهران: آمو، چاپ اول، ۱۳۹۵.

۲. استادیار حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،

v_agah@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران، s.mofidastaneh@gmail.com



مقدمه

آزادی بیان، یکی از حق‌های بشر با موضوع حمایت از «بیان» است که جوهر آن، منع سانسور^۱ و مداخلات پیشینی به معنای آزاد بودن افراد از مجوزهای پیشینی دولت است. این مفهوم شامل هر رفتار حاوی پیام می‌شود: به دست گرفتن اعلامیه، شعار دادن، سخنرانی،^۲ کتابت فیزیکی و در فضای مجازی و... در ایران، مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی^۳ - زین پس، ق.ا. - آزادی بیان و محدودیت‌های آن ذکر شده. حکمی که با اصل ۲۵ ق.ا. تثبیت و تضمین شده.^۴ این اصول صرفاً محدود به طرزق بیانی مذکور در آنها نبوده و نمایانگر وجه غالب شیوه‌های ارتباطی در زمان تصویب آن (۱۳۵۸) است. لذا مطبوعات، کتاب و آثار ادبی و هنری نیز مشمول اصول معنونه هستند.

ق.ا. با آزاد گذاشتن بیان در عین تصریح به خطوط قرمز، نظام تعقیبی را پذیرفته. حال آن‌که در حقوق موضوعه، راهی دیگر و البته مغایر ق.ا. در پیش گرفته شده که به نظام صدور مجوز معروف بوده که به عنوان مثال، در مقررات سینما و تئاتر مشاهده می‌شود و در مقوله کتاب هم، چنین است. در حالی که مطابق اصل ۲۵ ق.ا.، اصل بر منع سانسور است و در قوانین عادی نیز، مستندی مبنی بر مداخله پیشینی در انتشار کتاب وجود ندارد. آنچه در بند ۲۲ ماده ۲ «قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۲ هم آمده، به صدور مجوز فعالیت ناشر و نظارت بر فعالیت‌های آنها در چارچوب ضوابط و مقررات مربوط است که اولاً، صدور مجوز فعالیت ناشر بوده و ارتباطی با صدور مجوز تک‌تک فعالیت‌های انتشارات یعنی هر کتاب به طور مجزا ندارد. ثانیاً، نظارت بر ناشران، امری پسینی است و از آن، اخذ مجوز و به بیان بهتر، ورود پیشینی افاده نمی‌شود. از طرفی، سانسور همان ممیزی است و علی‌رغم تلاش برای تفکیک این دو واژه، «سانسور در اصل ۲۵ و ماده ۴ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ به کار رفته و در هیچ‌یک از آنها، معنایی متفاوت

1. Censorship.

۲. انصاری، باقر و امامی‌الطریقی، سیده مهلا، آزادی بیان و جرایم تحریک در حقوق بین‌الملل، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰، ص ۲۳.

۳. نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

۴. بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.



با ممیزی استنباط نمی‌شود. باین حال، با عنایت به فضای دولتی حاکم بر فرهنگ ایران، از واژه ممیزی استفاده می‌شود.^۱ هرچند که ماده ۲۹ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵/۹/۲۹ نیز از کلمه سانسور، استفاده و آن را منع نموده است.

در ماده ۴ «مصوبه اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی، با عنوان «حدود قانونی» طی سه بند «الف» تا «ج»، ممیزی تقسیم‌بندی شده: «دین و اخلاق»، «سیاست و اجتماع» و «حقوق و فرهنگ عمومی». در این میان، «ممیزی سیاسی» که در بند «سیاست و اجتماع» این مقرره جای گرفته، موضوع این پژوهش است. ولی همه بندهای ذیل عنوان «سیاست و اجتماع»، در مقوله ممیزی سیاسی نبوده و موارد مربوط به ممیزی اجتماعی کتاب، خارج از دامنه تحقیق به شمار می‌رود. ممیزی سیاسی، «حذف یا کم کردن ساز مخالف با سیاست‌ها و رویکردهای دولت است تا منفعت دولت به خطر نیفتد و علت، ناخشنودی از انتقاد و اعتراض عمومی است».^۲ امری که هرچند در عرصه اجتماع رخ می‌دهد، ولی دلایل اجتماعی ندارد و منافع سیاسی، متفاوت از منفعت عمومی ارزیابی می‌گردد. موضوعی که در این مقاله، با عبور از مبانی نظری و صرفاً از منظر انطباق با قوانین تحلیل شده و سؤال تحقیق، «میزان سازگاری خط‌قرمزهای ممیزی سیاسی کتاب - مذکور در مصوبه شورا- با قوانین» است. چه اینکه مقررات در هرم هنجارهای حقوقی ایران، ذیل قانون بوده و مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نمی‌تواند مغایر با قوانین باشد. در این مقاله طی سه گفتار، جهات ممیزی سیاسی کتاب، بررسی و نسبت آن با خطوط قرمز موجود در قوانین، تحلیل می‌شود.

گفتار اول - ممیزی به جهت توهین به مقدسات و معارضه با قانون اساسی

بند اول - ممیزی کتاب به جهت توهین، تخریب و افترا به مقامات

بند نخست جزء ب ماده ۴ مصوبه در بیان نخستین جهت ممیزی ذیل عنوان «سیاست و اجتماع» اشعار می‌دارد: «توهین، تخریب یا افترا به امام خمینی (ره) و رهبری، رئیس‌جمهور، مراجع تقلید و

۱. آگاه، وحید، «تیغ و ابریشم: تحلیل مبانی نظری آثار سینمایی»، پژوهش‌های حقوقی. دوره نوزدهم، ۱۳۹۹، شماره ۴۱، ص ۱۸۰.

۲. آگاه، وحید، «تحلیل ممیزی اخلاقی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی آثار سینمایی در حقوق موضوعه و رویه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال بیست‌وسوم، شماره ۵۷، ۱۴۰۱، ص ۲۰۴.



تمام افرادی که حفظ حرمت آنها شرعاً و یا قانوناً لازم است». در این بند، مقامات رهبری و ریاست جمهوری مربوط به ممیزی سیاسی بوده و باقی مربوط به جرائم نسبت به غیرمقامات است که در مقوله ممیزی دینی و اجتماعی و خارج از دامنه این پژوهش قرار می‌گیرد.

الف- نسبت توهین مذکور در مصوبه با توهین در حقوق موضوعه

«توهین» در لغت به معنای خوار و خفیف کردن است.^۱ موهن بودن رفتار، وجود مخاطب معین و حضوری یا علنی بودن توهین، ازجمله شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق این جرم است که در ماده ۶۰۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ -زین پس، ق.م.ا. مصوب ۷۵- جرم‌انگاری شده است. معیار وهن‌آمیز بودن یا نبودن واژگان و جملات، به شرایط گوناگونی چون موقعیت شخصی، شغلی و مکانی وابسته است که این سیالیت، در قانون «استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸، ۶۰۹ ق.م.ا. و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات» مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴ نمایان است.^۲

اصل ۱۱۳ ق.ا.، رهبری را عالی‌ترین مقام رسمی کشور دانسته که توهین به مصادیق این جایگاه (بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری) براساس ماده ۵۱۴ ق.م.ا. مصوب ۷۵ توهین مشدد بوده و قابل پیگیری و مجازات است. در مورد رئیس‌جمهور نیز، به دلیل سمت، همراه با مقاماتی دیگر و مطابق با ماده ۶۰۹ همان قانون، توهین با مجازاتی بیشتر نسبت به سایر شهروندان مواجه شده است. مواد ۱ و ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ نیز در بندهای الف و ب، توهین به رئیس‌جمهور را با رعایت دو شرط «انگیزه اصلاح امور کشور» و «بدون قصد ضربه زدن به اصل نظام»، جرم سیاسی اعلام نموده است. بر اساس بند ل ماده ۹ اساسنامه بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس مصوب ۱۳۸۷/۸/۱۸، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، «تهیه و تدوین آیین‌نامه‌های نظارت بر تولید محصولات فرهنگی هنری مرتبط با دفاع مقدس (شامل: کتاب و

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین (جلد اول)، تهران: ادنا، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ص ۵۰۲.

۲. دریائی، رضا و غلاملو، جمشید، «توهین، افترا و نشر اکاذیب تعزیری: از جرم‌انگاری تا جرم‌زدایی با تأکید بر الگوی حقوق مدنی»، آموزه‌های حقوق کیفری. دوره ۱۹، شماره ۲۳، ۱۴۰۱، صص ۲۰۸-۲۰۷.



نشریات (... به منظور تطبیق با حقایق جنگ تحمیلی) از وظایف رئیس بنیاد دانسته شده است. ماده ۱۱ آیین نامه نظارت بر تولید و نشر آثار ادبی و تاریخی دفاع مقدس مصوب ۱۳۹۶/۱۱/۲۶ ستاد کل نیروهای مسلح نیز، معیارها و ضوابط خاصی را برای چاپ و نشر آثار ادبی و تاریخی دفاع مقدس و مقاومت معین نموده که از محدودیت‌های مضاعف بر روند نشر کتاب ارزیابی می‌شود و «عدم تحقیر... فرد، گروه یا سازمان‌ها و نیروهای مسلح» در بند ۷ جزء ج، از موارد مرتبط با توهین در آن است. در این خصوص، مواد ۴۸ و ۴۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ مطرح می‌باشد که به دلیل ارتباط با توهین دو نظامی به یکدیگر در سلسله مراتب نظامی (اهانت به مافوق و تحت امر)، از مبحث توهین در کتاب خارج است.

بنابراین، با توجه به اینکه توهین به امام (ره)، رهبری و رئیس جمهور در قوانین آمده و توهین به مقامات نظامی نیز در هر صورت عمومات جرم توهین جای می‌گیرد، بند مورد بحث، از این منظر با حقوق موضوعه انطباق دارد و مغایرتی ندارد.

ب- تخریب مقامات در کتاب؟

«تخریب» در لغت به معنای ویران کردن و بر هم زدن است^۱ که در مورد اموال به کار می‌رود و استفاده از آن در مورد افراد، اصطلاحی حقوقی نیست. به نظر می‌رسد منظور از تخریب در این بند، نشر اکاذیب باشد که انتساب دروغ به دیگران، از طریق نشر آن با عنصر قانونی ماده ۶۹۸ ق.م.ا. مصوب ۷۵ است که با توجه به واژگان «مراسلات» و «اوراق چاپی» در ماده، کتاب را هم شامل می‌شود. نشر اکاذیب در صورتی که به طور گسترده رخ دهد و «موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد»، با توجه به ماده ۲۸۶ ق.م.ا. افساد فی الارض محسوب شده و مجازات اعدام دارد. از سوی دیگر، با توجه به انواع دیگر کتاب، ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵، در مورد نشر اکاذیب از طریق کتاب‌های صوتی و الکترونیکی قابل استفاده است. بند ۲ ماده ۲ قانون جرم سیاسی نیز، آن را با رعایت شرایط مقرر در ماده یک قانون، جرم سیاسی دانسته و بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات، بیانگر ممنوعیت «پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا

۱. معین، محمد، پیشین، ص ۴۳۵.



تحریف مطالب دیگران» به عنوان یکی از حدود قانونی مطبوعات است که با مفهوم تخریب مرتبط است. لذا این قسمت از بند مصوبه شورا به رغم استفاده از واژه‌ای نادرست، از نظر مفهوم با موارد جرم‌انگاری شده در قوانین، انطباق دارد و کتاب نمی‌تواند محمولی برای ارتکاب این جرائم باشد.

پ- انطباق افترا به مقامات در کتاب و قوانین جزایی

افترا وفق ماده ۶۹۷ ق.م.ا. مصوب ۷۵ عبارت است از: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی... یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون، آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید». افترا به دو دسته لفظی و عملی تقسیم می‌شود و ماده ۶۹۷ مربوط به افترای لفظی است. نظر مشورتی شماره ۷/۹/۱۲۱۹ مورخ ۱۳۹۹/۹/۵، افترای موضوع ماده ۶۹۷ و افترای خاص (قذف)، موضوع ماده ۲۴۵ ق.م.ا. را مختص افراد حقیقی دانسته است. بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، آن را از حدود مطبوعات اعلام کرده و ماده ۳۰ این قانون، بیانگر ممنوعیت انتشار آن است. از این رو در قوانین، افترا به مقامات مانند سایر مردم، دارای مجازاتی یکسان است. لذا افترا در بند مورد بحث و بند ۹ جزء ج آیین‌نامه نظارت بر تولید و نشر آثار ادبی و تاریخی دفاع مقدس که آن را از حدود قانونی ممیزی اعلام کرده، جلوتر از قوانین نیست و مطابقت دارد.

بند دوم- ممیزی کتاب به جهت تبلیغ و معارضه با قانون اساسی و انقلاب اسلامی

بند دوم جزء ب ماده ۴ مصوبه، «تبلیغ علیه ق.ا. و انقلاب اسلامی و معارضه با آنها» را از جهات ممیزی سیاسی عنوان کرده. ق.ا. پایه و مبنای دیگر قواعد و بیانگر نوع دولت-کشور، بنیادهای اساسی آن و شکل حکومت است.^۱ در قوانین، جرمی تحت عنوان «تبلیغ علیه ق.ا.» وجود ندارد و نمی‌تواند هم باشد، چراکه ق.ا. صرفاً یک متن حقوقی است. لذا باید آن را از تبلیغ علیه نظام تفکیک کرد. پس تبلیغ علیه ق.ا. با رعایت عدم توهین و... به اشخاص آزاد است.

تبلیغ چیست؟ بیان نقدها و کاستی‌ها و نواقص که از لوازم آزادی بیان ارزیابی می‌شود. «انقلاب» هم در لغت به معنای دگرگون شدن و تحول است که در بند ۲ مصوبه با پسوند اسلامی، «انقلاب

۱. دانش پژوه، مصطفی، منابع حقوق، تهران: جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳.



سیاسی» و در واقع، انقلاب علیه رژیم سیاسی گذشته ایران را منظور دارد. انقلاب در اینجا، فرایند تغییر در نهادهای دولت و فروپاشی یا سرنگونی اقتدار دولت موجود است و عمدتاً توسط مردمانی صورت می‌پذیرد که در لوای آن دولت زندگی می‌کنند و ساختار دولت را غیرقابل اصلاح می‌دانند.^۱ بنابراین با توجه به معنی و مفهوم این واژه، انقلاب فرایندی است که با تغییر نهادهای حکومت در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاده و با پیروزی انقلاب اسلامی و جانشینی جمهوری اسلامی، استفاده از این عبارت با تسامح همراه است. زیرا انقلاب اسلامی، واقعه‌ای مهم و تاریخی در ایران بوده که با مفهوم نظام جمهوری اسلامی متفاوت است. به بیان بهتر، انقلاب اسلامی پدیده‌ای تاریخی است که اثر آن، برقراری نظام جمهوری اسلامی در کشور می‌باشد و مانند همه وقایع اجتماعی و سیاسی، قابل نقد و تحلیل و مرور است و نمی‌توان بخشی از تاریخ را از معرض نقد و بحث جدا نمود و در شمار خطوط قرمز قرار داد. ممنوعیت و محدودیت نقد این مهم، همان قدر پذیرفتنی است که مثلاً گفته شود تبلیغ در مورد حکمرانی صفویان یا قاجاریه ممنوع است! لذا این بند با قوانین جزایی مطابقت ندارد و شایسته حذف است.

گفتار دوم- ممیزی به جهت برانگیختن به قیام علیه نظام، استقلال کشور و ترویج عناصر ضدانقلاب

بند اول- ممیزی کتاب به جهت برانگیختن جامعه به قیام علیه نظام و انقلاب

بند سوم جزء ب ماده ۴ مصوبه در بیان حدود قانونی ذیل عنوان «سیاست و اجتماع» اشعار می‌دارد: «برانگیختن جامعه به قیام علیه نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی». واژه «دولت» در ق.ا. در مفاهیم گوناگون از جمله قوه مجریه، هیأت وزیران و حکومت به کار رفته،^۲ اما در معنای اصیل، معیار تقسیم‌بندی واحدهای سیاسی در دنیاست که از سه عنصر مردم، سرزمین و حکومت تشکیل می‌شود. «واژگان «نظام» و «رژیم سیاسی»، مترادف حکومت هستند و قیام علیه نظام، همان

۱. گلدستون، جک. ترجمه حایری یزدی، آسیه، «انقلاب»، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی (ویژه‌نامه انقلاب، آموزش عالی و جامعه)، دوره ۸، شماره ۲۶، ۱۳۹۷، ص ۲۵۴.

۲. ر.ک: استوار سنگری، کورش، «مفهوم دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، حقوق اساسی. دوره ۶. شماره ۱۱، ۱۳۸۸، صص ۸۶-۴۹.



قیام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران است. واژه‌ای «ناظر بر شخصیت حقوقی مستقل و متمایز و تابع احکام و آثار مشخص»^۱.

قیام علیه نظام جمهوری اسلامی در حقوق ایران، در اصل ۱۴ ق.ا. در شمار جهات محدودیت حقوق انسانی افراد غیرمسلمان غیرزرتشتی غیرمسیحی غیرکلیمی آمده^۲ و در قانون مجازات هم، در قالب اقدام عملی و با عنوان «بغی» در ماده ۲۸۷ ق.م.ا. جرم است: «گروهی که در برابر اساس نظام قیام مسلحانه کند، باغی محسوب می‌شود». هرچند که استفاده از واژه کلی و مبهم «اساس نظام» در این ماده، خلاف اصل شفافیت در قوانین کیفری و موجب اختلاف نظر حقوق دانان و قضات است، زیرا عده‌ای «اساس نظام» را متوجه امام حاکم بر جامعه و ولایت فقیه و برخی، آن را ناظر بر ارکان نظام مستقر می‌دانند.^۳ برانگیختن به قیام می‌تواند حسب مورد، تبلیغ علیه نظام باشد که در آن صورت، با توجه به ماده ۵۰۰ ق.م.ا. مصوب ۷۵ قابل مجازات است و در غیر این صورت، عنوان جداگانه‌ای ندارد. وفق ماده ۵۰۰: «هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو، فعالیت تبلیغی نماید...». لذا برانگیختن اگر تبلیغ علیه نظام محسوب شود، عنوان مجرمانه دارد. هرچند که ماده ۵۰۰ در حقوق کیفری و عمومی، محل تأمل و نقد است و با حقوق ملت در ق.ا. مغایرت دارد.

درخصوص انقلاب، همان‌طور که در بند قبل توضیح داده شد، برانگیختن جامعه علیه انقلاب ممکن نیست، زیرا پس از پیروزی و استقرار رژیم سیاسی جدید که ۴۵ سال هم از آن می‌گذرد، انقلابی وجود ندارد تا برانگیختن جامعه علیه آن امکان داشته باشد. بنابراین قسمت اخیر بند، سالبه به انتفای موضوع بوده و شایسته حذف است.

۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر و موسوی مجاب، سید درید، تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق اسلامی. شماره ۹، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵.

۲. دولت و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

۳. ر.ک: حسینی، سید حسین و پورمحمدی، محسن و شایگان فرد، مجید، «ابهام در جرم‌انگاری بغی»، مجلس و راهبرد، سال ۳۰، شماره ۱۰۴، ۱۴۰۲، صص ۱۶۳-۱۹۳.



بند دوم- ممیزی کتاب به جهت ترویج گروه‌های محارب، عناصر ضدانقلاب و تروریست و نظام‌های لائیک و سلطنتی

مطابق قسمت نخست بند چهارم جزء ب ماده ۴ مصوبه، «ترویج گروه‌های محارب و عناصر ضدانقلاب و تروریست و نظام‌های لائیک و سلطنتی» از موارد ممیزی سیاسی کتاب است. در این ماده چند جهت ممیزی با هم ذکر شده که جداگانه باید بررسی شود.

اول- در مورد «ترویج گروه‌های محارب»، ماده ۲۷۹ ق.م.ا. محاربه را تعریف کرده: «کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنهاست، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد». این جرم در زمره جرائم مفید و علیه امنیت کشور است و ترویج این گروه‌ها در قالب فعالیت تبلیغی علیه نظام و ماده ۵۰۰ ق.م.ا. مصوب ۷۵ قابل مجازات است. هرچند که اثبات محاربه از طریق ادبیات و در قالب کتاب، ناممکن می‌نماید.

دوم- «ترویج عناصر ضد انقلاب» طبق آنچه قبلاً گفته شد، نمی‌تواند عبارت درستی باشد، زیرا مروج افراد ضد انقلاب بودن، یعنی ترویج افرادی که با رویدادی تاریخی مخالفند که نمی‌تواند در این قالب، از محدودیت‌های بیان آزاد باشد. لذا این بخش از عبارت نیازمند حذف است.

سوم- اصطلاح «تروریسم» و «جرم تروریستی» در بندهای ۲ و ۳ ماده یک قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۷ تعریف شده و جرائم تروریستی در بند ۴ این ماده بیان شده‌اند. همچنین با اضافه شدن ماده ۲ در اصلاحات سال ۱۳۹۷ به قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۱۳، جرائم تروریستی به‌طور خاص جرم‌انگاری شده. علاوه بر این، تشکیل و اداره گروه‌ها علیه نظام در ماده ۴۹۸ ق.م.ا. ممکن است تحت شرایطی با مصداق جرائم تروریستی همپوشانی داشته باشد. با این حال، باید توجه داشت که با کتاب، تروری صورت نمی‌گیرد و منظور، ترویج جرائم تروریستی است.

چهارم- «ترویج نظام‌های لائیک و سلطنتی» در جهات ممیزی سیاسی آمده که عجیب و فراحقوقی است، زیرا رژیم‌های سیاسی از منظر محتوا در حقوق عمومی و علوم سیاسی، انواع مختلف لائیک، سکولار و مذهبی دارند که جملگی، قابلیت نقد و مطالعه و انتخاب دارند و بسته به شرایط جوامع، از طرف ملت‌ها انتخاب می‌شوند. گونه‌هایی از حکومت در بستر دانش حقوق عمومی و علوم سیاسی که خوب



و بد مطلق نبوده و نمی توان یکی را پذیرفت و باقی را منع نمود، آن هم در وادی ادبیات و کتاب که عرصه اندیشه است. طبق قانون نیز، ترویج یک حکومت متفاوت با نظام حاضر، جرم نیست و فعالیت تبلیغی علیه نظام با ترویج گونه‌های دیگر حکومت و متفاوت با جمهوری اسلامی، فرق داشته، جرم نیست و مجازات هم ندارد. لذا این قسمت از بند مورد بحث، با قوانین مطابقتی ندارد و باید حذف شود.

بند سوم- ممیزی کتاب به دلیل تبلیغ وابستگی به قدرت‌های سلطه جو و ضدیت با استقلال کشور

بند پنجم جزء ب ماده ۴ مصوبه اشعار می دارد: «تبلیغ و ترویج وابستگی به قدرت‌های سلطه جو و ضدیت با استقلال کشور». در دنیای امروز، رسانه‌های تبلیغاتی قادرند نیازی را در مخاطب ایجاد کنند، معنا و تعریف جدیدی از مفاهیم برای او ارائه کنند و با ترغیب و تغییر آگاهی و شعور، او را به انجام عملی تحریک کنند.^۱ مکاتب و دولت‌ها به اهمیت و ارزش تبلیغات واقف بوده و از طریق رسانه و تبلیغات به ترویج و گسترش عقاید و نظرات خود می پردازند. به گونه‌ای که می توان تبلیغات را چون سلاح و بازوی کمکی سیاست، تجارت، قدرت نظامی، بازار جهانی و میادین جنگی دانست.^۲ یکی از شیوه‌های اعمال سیاست خارجی، تبلیغات است که سازمان‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی مانند افراد مشهور می توانند از بازیگران آن باشند. مفاهیم امپریالیسم، استعمار، نظام سلطه و استثمار، یادآور روحیات، عملکرد و ظلم‌های نظام‌های استکباری هستند که در طول تاریخ، بر ملت‌ها رفته است.^۳ در این میان، جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه از پدیده‌های غربی بیشتر تأثیر می گیرند و پیامد آن، در صورتی که با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در تعارض باشند، ایجاد شکاف و بروز رفتارهای تهدیدکننده علیه جوامع انسانی است. اما این مسائل در حوزه دانش و علوم انسانی و اجتماعی است که باید با پژوهش، تبیین و مواجهه افکار عمومی با رنگین کمانی از اندیشه اصلاح شود و ممیزی و جرم‌انگاری آنها، نه مطلوب است، نه ممکن. چنانکه در حقوق ایران هم جرم نیست و این بند با قوانین مغایرت دارد.

۱. منصوری، علیرضا، «درباره خودمختاری صنعت رسانه و تبلیغات»، رسانه و فرهنگ، سال دوم، شماره ۱ (پیاپی ۳)، ۱۳۹۱، ص ۵۴.

۲. رک: «انقلاب و تبلیغات»، حوزه، دوره چهارم، ۱۳۶۶، شماره ۱۹، ص ۴.

۳. مرادزاده، علی، «تحلیلی بر ماهیت و کارکرد استکبار»، امید انقلاب، پیاپی ۴۰۵، ۱۳۸۸، ص ۳۴.



گفتار سوم - ممیزی به جهت اقدام علیه منافع ملی

بند اول - ممیزی کتاب به جهت تبلیغ علیه منافع و امنیت ملی و ناکارآمدی نظام

بند ششم جزء ب ماده ۴ مصوبه، «تبلیغ علیه منافع و امنیت ملی و ناکارآمد جلوه دادن نظام جمهوری اسلامی» را از ممنوعیت‌های کتاب قلمداد کرده که در واقع، دو جهت را برای ممیزی سیاسی تعیین نموده است. در قسمت نخست، «تبلیغ علیه منافع و امنیت ملی»، خط قرمز بیان در قامت کتاب است. «امنیت ملی» مفهومی با وجوه چندگانه و تعاریف گوناگون است و به دلیل کلی بودن، جرائمی مانند فعالیت تبلیغی علیه نظام، سوء قصد به مقامات سیاسی، تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت در قانون معین شده است. امنیت ملی در تعریفی کلاسیک، مطالعه تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی و چگونگی رویارویی با تهدیدات نظامی خارجی است.^۱ با تحول این مفهوم، امروزه «معطوف کردن امنیت جامعه صرفاً به حوزه نظامی، بحران‌هایی که منجر به تنگناهای ناامنی می‌شود را نادیده می‌گیرد. بنابراین مفهوم امنیت باید به گونه‌ای وسعت یابد تا نه تنها عامل نظامی، بلکه عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را نیز دربرگیرد».^۲ منافع ملی، منفعی است که دولت‌ها به عنوان یک مجموعه و به نمایندگی از ملت‌هایشان، درصدد تحقق آن در روابط خود با سایر کشورها هستند.^۳ لذا بدیهی است مفاهیمی با این وسعت معنا و مصداق، در ایرانی با تنوع اقوام و فرهنگ‌ها، دارای مفاهیم مختلف باشد و این تکثر در نظر بررسان کتاب نیز نمود پیدا کند.

بر این مبنا، عبارت «خلاف امنیت یا منافع ملی» در حقوق، واژگانی انتزاعی و لغزنده هستند که باید مصداقیشان به ریزترین شکل ممکن در قوانین تعریف و احصا شود، وگرنه به مستمسکی برای ایجاد ممنوعیت‌های جعلی و مغایر با آزادی بیان بدل می‌شوند. مثلاً در حقوق بین‌الملل، تبلیغات توهین‌آمیز،

۱. کریمی، سحر و پیری سارمانلو، اژدر، «گفتمان امنیت ملی در چارچوب ارتقای سطح علمی دانشگاه‌ها»، پژوهش ملل، دوره ۱، شماره ۵، ص ۲.

۲. ماندل، رابرت، «چهره متغیر امنیت ملی»، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، ص ۲۶.

۳. موسوی، فضل‌الله و سیرغانی، محسن و رامین‌نیا، مرگان و حسین‌زاده، حسن، «امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در پرتو منشور ملل متحد با تأکید بر مبانی و اهداف انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۲۰)، ۱۳۹۶، صص ۱۹۹-۱۹۸.



براندازانه و برای جنگ تجاوزکارانه، سه دسته کلی تبلیغات خصمانه و ممنوع هستند.^۱ در قوانین نیز، این مهم در قالب‌های متنوعی جرم‌انگاری شده که ماده ۲۰ قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷ مبنی بر ممنوعیت تبلیغ جنگ، بند ب ماده ۱۸ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۸/۲۶ مشعر بر «هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات و تبانی با سفارتخانه‌ها، ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی» و بند ۵ ماده ۶ قانون مطبوعات، با عبارت «تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران» از جمله آن هستند. بنابراین هرچند در عالم نظر، تبلیغ علیه امنیت ملی می‌تواند مصداق تبلیغ علیه نظام باشد، اما در حقوق جزا با توجه به اصول تفسیر از جمله تفسیر مضیق و به نفع متهم و عدم امکان توسعه مصادیق، تبلیغ علیه امنیت ملی، جرمی متفاوت از جرم تبلیغ علیه نظام است و نیاز به عنوان مجرمانه جدا دارد. ضمن آنکه جرائم علیه امنیت در ابعاد دیگر نیز، دارای عناوینی مجزا و مشخص است. چنانکه فصل اول ق.م.ا. مصوب ۷۵، «در جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» نام دارد و به جرائم این حوزه پرداخته است.

در مورد قسمت اخیر بند ۶ یعنی «ناکارآمد جلوه دادن نظام»، اولاً، نشان دادن ناکارآمدی یک رژیم سیاسی، چندوجهی بوده و ابعاد متنوعی دارد و اگر این عبارت از ممنوعیت‌های کلمات کتاب‌ها باشد، باب بزرگی از بیان آزاد بسته می‌شود و این به ضرر حکومت‌هاست، چون نقدها و اعتراضات است که آنها را اصلاح می‌نماید. لذا این جهت ممیزی، نه مطلوب است و نه ممکن، زیرا هر نظام سیاسی می‌تواند کارآمد یا ناکارآمد باشد و استثنایی ندارد. ثانیاً، ناکارآمدی اگر خلاف واقع و همراه با ارتکاب جرم باشد، مشمول نشر اکاذیب و... بوده و نیازی به محدودیت جدید نیست. ثالثاً، عبارت مورد بحث می‌تواند مشمول فعالیت تبلیغی علیه نظام و دیگر جرائم پیش‌گفته باشد و تعدد استفاده از این دست عبارات کلی، مبهم و با تاب تفسیر بالا، خود به واقع، خلاف امنیت و منافع ملی است. امری که «مانع اثربخشی وضع ضوابط به دلیل گستردگی بی‌حد و حصر محیط جرم و امکان احتمال زیاد خطا در پیگیری و محاکمه موجب می‌شود افراد با ارتکاب رفتارهای مشابه، احکام متفاوتی را متحمل شوند که خلاف عدالت و اصل برابری افراد در برابر قانون به عنوان یکی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه است».^۲

۱. کدخدایی، عباسعلی و ریحانه ریخته‌گر برنجی، «رویکرد حقوق بین‌الملل در خصوص تبلیغات خصمانه برای جنگ (پروپاگاندا)»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۳، ۱۳۹۷، صص ۵۲۹-۵۲۸.

۲. فخر، حسین و مینا دیبامهر، «نقدی بر جرم‌انگاری «فعالیت تبلیغی» در پرتو اصل آزادی بیان»، حقوق اسلامی، سال



به همین خاطر است که تبصره بند ۶، «بیان نارسایی‌ها و اشکالات در جمهوری اسلامی برای نقد و بررسی و شناخت دقیق‌تر مسائل و دستیابی به راه‌حل‌های مناسب و بیان مستدل و اصلاح‌طلبانه مشکلات» را به «دور از توهین و افترا، بلامانع» دانسته. تبصره‌ای که به دلیل کلی بودن بند ۶، حکم ضربه‌گیر این بند را دارد.

بند دوم- ممیزی کتاب به جهت اخلال و تشکیک در وحدت ملی و تمامیت ارضی

به موجب قسمت نخست بند هفتم جزء ب ماده ۴ مصوبه، «اخلال و تشکیک در وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور» از موارد ممیزی سیاسی است. «تمامیت ارضی» مبین گستره جغرافیایی حاکمیت، صلاحیت کشورها و از ارکان تشکیل‌دهنده کشور و اصول و منافع حیاتی و اولیه تمام حکومت‌هاست.^۱ چه اینکه سرزمین، عامل مادی و اساسی تشکیل کشور است و بدون مفهوم قلمرو، نمی‌تواند کشوری وجود داشته باشد.^۲ بنابراین می‌توان از آن، مفهومی مرتبط با وحدت و یکپارچگی سرزمینی استنباط کرد. طبق اصول ۹ و ۷۸ ق.ا. «آزادی»، «استقلال»، «وحدت» و «تمامیت ارضی» از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر و هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع اعلام شده، علاوه بر این، در بند ۱۱ اصل ۲ و اصول ۱۰۰ و ۱۵۲ نیز، به تمامیت ارضی پرداخته شده و در اصول ۹، ۷۸، ۱۰۰، ۱۴۳، ۱۵۲ و ۱۷۶، مجلس شورای اسلامی، شوراها، شهر، نیروهای مسلح، دولت و شورای عالی امنیت ملی در قبال حفظ تمامیت ارضی مسئول هستند.^۳ به نحوی جزئی‌تر نیز، طی بند الف ماده ۵ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷، حفظ تمامیت ارضی از اهداف نظامی ایران و طی بند الف ماده ۷، از وظایف ارتش دانسته شده. همچنین با توجه به ماده ۱۳، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی نظام بر عهده ارتش می‌باشد. در ماده ۷ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵ نیز، حفظ تمامیت ارضی در فهرست مأموریت‌ها ذکر گردیده است.

پانزدهم، شماره ۵۷، ۱۳۹۷، ص ۱۳۱.

۱. زارعی، بهادر و یاشار ذکی، «اصل تمامیت ارضی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۳، شماره ۴ (پیاپی ۷۸)، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱.

۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ چهل و چهارم، ۱۳۹۲.

۳. زارعی، بهادر و ذکی، یاشار، پیشین. ص ۲۳۱.



نقض تمامیت ارضی، امنیت نظام اجتماعی را بر هم زده و نظم حقوقی مستقر هم در این شرایط، نمی‌تواند حقوق و آزادی‌ها را تضمین نماید. اما اولاً، اقدام علیه استقلال کشور و تمامیت ارضی، اقدامی عملی و فیزیکی است و با بیان ممکن نیست. لذا اساساً از طریق کتاب، امکان پذیر نیست و کتاب صرفاً عرصه اندیشه‌ورزی است و ایده‌های نادرست نیز، با انتشار مطالب صحیح به اهداف خود نمی‌رسد. ثانیاً، در مصوبه شورا به صورت کلی آمده و بدین نحو قابل قبول نیست. کما اینکه مثلاً بند ۲ «تصویب‌نامه راجع به حفظ حقوق تاریخی و ملی جمهوری اسلامی ایران در خصوص نام خلیج فارس» مصوب ۱۳۸۳/۱/۲۶ هیأت دولت از موارد محدودیت مشخص و جزئی مرتبط با این موضوع است: «نظارت بر استفاده از عبارت «خلیج فارس» به صورت کامل در... کتب...».

بند سوم- ممیزی کتاب به جهت انتشار اسناد طبقه‌بندی شده

در بند هفتم جزء ج ماده ۴ مصوبه، ذیل عنوان «حقوق و فرهنگ عمومی»، جهتی از ممیزی بیان گردیده که در شمار ممیزی سیاسی قابل ارزیابی است: «افشای غیرقانونی اسناد طبقه‌بندی شده کشوری و لشکری». در این خصوص، تعیین مفهوم روشن از «اسرار دولتی» و مصادیق استثنای آن به عنوان مهم‌ترین استثنای آزادی اطلاعات و بیان جهت گسترش قلمروی آزادی‌های مذکور و انطباق قوانین و مقررات با موازین جامعه مردم‌سالار و دولت شفاف، امری ضروری است. قاعده مهم برای تعریف و تفسیر اسرار دولتی، تعریف مضیق و دقیق، محدود کردن مشروط آزادی اطلاعات به اسناد اسرار دولتی (محدود کردن به توصیه قانون، ضروری بودن محدودیت برای جامعه دموکراتیک و مشروع بودن منافع ناشی از امنیت ملی)، تعیین اصل حاکم بر طبقه‌بندی (قانونی بودن، مستدل بودن و سرعت و مناسبت)، کم بودن درجه‌های اسرار دولتی، تعیین مدت زمانی برای طبقه‌بندی‌ها و اجتناب از منع مطلق دسترسی شهروندان است.^۱ «قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی» مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹، در ماده یک «اسناد دولتی»، «اسناد دولتی سری» و «اسناد دولتی محرمانه» را تعریف کرده و مجازات افشای آن را در مواد ۲ و ۳ معین نموده. «قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح» نیز در ماده ۲۶ بدون ارائه تعریف معین از انواع اسناد و مدارک، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات طبقه‌بندی شده در این قانون، آن را به سه دسته «به‌کلی سری»، «سری» و «خیلی محرمانه» تقسیم و مجازات افشای آنها را بیان نموده

۱. انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ ششم، ۱۳۹۱، صص ۱۹۹-۲۰۵.



است. اسناد سری و محرمانه دولتی در ماده یک «آیین نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات» مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱، به چهار طبقه با عناوین «به کلی سری»، «سری»، «خیلی محرمانه» و «محرمانه» تقسیم شده و در ماده ۴ آیین نامه، مسیر تغییر طبقه یک سند یا خروج آن از طبقات، تعیین شده است. ماده ۱۳ «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ هم، ممنوعیت انتشار اسناد و اطلاعات طبقه بندی شده (اسرار دولتی) توسط مؤسسات عمومی را اعلام و دسترسی به آن را تابع قوانین و مقررات خاص دانسته است.

همچنین، به موجب ماده ۳ «آیین نامه اجرایی قانون انتشارات اسناد طبقه بندی شده وزارت امور خارجه» مصوب ۱۳۶۵/۴/۴، شورای عالی بالاترین مرجع تصمیم گیرنده در مورد نشر هرگونه سند شناخته شده است. در مقدمه آیین نامه نیز آمده که «واحد نشر اسناد» زیر نظر «شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد» به منظور انتشار اسناد موجود در بایگانی وزارت امور خارجه به شیوه علمی و همچنین فراهم آوردن شرایط امکانات مناسب برای تدوین و تحریر دقیق و علمی تاریخ روابط سیاسی و بین المللی ایران فعالیت می کند که می توان آن را نوعی ممیزی ویژه و مضاعف بر نشر، به دلیل اهمیت ویژه این اسناد دانست. لذا بند مذکور، مطابق با حقوق موضوعه است.

نتیجه

۱. آزادی بیان یکی از حق های بشر مقید و غیرمطلق است. حکمی که در اصول ۲۴ و ۲۵ ق.ا. اعلام و نظام پسینی (نظارت) پذیرفته شده است. اما در خصوص کتاب، حقوق موضوعه، مسیری دیگر در پیش گرفته و فارغ از مغایرت شیوه «مواجهه پیشینی با آزادی بیان» با ق.ا.، مصوبه «اصلاحی اهداف، سیاست ها و ضوابط نشر کتاب» مصوب ۱۳۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی در ماده ۴ حدود قانونی را بیان کرده که ۷ بند از جزء ب و یک بند از جزء ج این ماده، به ممیزی سیاسی پرداخته که در این مقاله در انطباق با قوانین تحلیل شد.

۲. بررسی موارد ممیزی سیاسی در ماده ۴ مصوبه نشان می دهد جهات توهین به امام (ره)، رهبری و رئیس جمهور در مصوبه، مغایرتی با قوانین ندارد. لفظ تخریب مقامات نیز صحیح نبوده و منظور توهین یا نشر اکاذیب است که در قوانین جزایی پیش بینی شده. همچنین بند مشعر بر «افشای غیرقانونی اسناد طبقه بندی شده کشوری و لشکری»، وفق قوانین بوده و با حقوق موضوعه سازگاری دارد.



۳. جهت ممیزی با عنوان «تبلیغ علیه ق.ا. و انقلاب اسلامی و معارضة با آنها»، انطباقی با قوانین ندارد و در حقوق ایران، نوشتن علیه ق.ا. جرم نیست. تبلیغ و معارضة با انقلاب نیز معنا نداشته و با توجه به گذشت حدود نیم قرن از پیروزی انقلاب اسلامی، معارضة با رویدادی تاریخی، اگر هم مفهوم داشته باشد و اگر هم ممکن باشد - که نیست - نمی‌تواند جهتی از ممیزی باشد.

۴. درخصوص جهت ممیزی با عنوان «برانگیختن جامعه به قیام علیه نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی»، ترغیب به قیام در قالب جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام در قانون تعزیرات پیش‌بینی شده و اساساً قیام علیه حکومت نیاز به اقدام عملی دارد و با کتاب متصور نیست. نیز گفته شد، برانگیختن به انقلاب، سالبه به انتفای موضوع است.

۵. در مورد جهت ممیزی با عنوان «ترویج عناصر ضدانقلاب و تروریست و نظام‌های لائیک و سلطنتی»، سوای جرم‌انگاری ترور در حقوق ایران و اینکه ترویج تروریسم از خطوط قرمز بیان ازجمله کتاب است، ترویج عناصر ضدانقلاب و نظام‌های سیاسی ازجمله لائیک و سلطنتی نمی‌تواند از موارد ممیزی کتاب باشد. چه اینکه انواع رژیم‌های سیاسی از مفاهیم حقوق عمومی و علوم سیاسی بوده و نمی‌تواند در همه شرایط و به‌طور مطلق، نامطلوب باشد. انقلاب نیز به دلیل ارزیابی در قامت پدیده‌ای تاریخی، نمی‌تواند محوری برای ممیزی باشد و تاریخ همیشه قابل بحث است.

۶. جهت ممیزی با عنوان «تبلیغ و ترویج وابستگی به قدرت‌های سلطه‌جو و ضدیت با استقلال کشور»، نیز، قرابتی با قوانین ندارد. به دلیل اینکه ترویج قدرت‌های سلطه‌جو، مفهومی سیاسی و قابل بحث در سپهر علوم سیاسی است و نمی‌توان اندیشه‌ها و اصطلاحات علمی را به عنوان خط قرمز کتاب معرفی نمود!

۷. در مورد جهت ممیزی با عنوان «تبلیغ علیه منافع و امنیت ملی و ناکارآمد جلوه دادن نظام»، امنیت یا منافع ملی، واژگانی مبهم و کلی هستند که از دل آنها، جرائم متنوعی استخراج شده و نمی‌توان با این کلمات بدون مصداق، کتاب‌ها را محدود نمود. لذا مصادیق باید به ریزترین شکل ممکن و البته در انطباق با قوانین جزایی احصا شوند. در بحث «ناکارآمد جلوه دادن نظام» هم، این مهم ضمن همپوشانی با جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام، باب هر نقد و اعتراضی را می‌بندد و از نظام سیاسی، الگوی بی‌عیب و نقصی می‌سازد که انتزاعی است. کما اینکه تبصره بند ۶ جزء ب ماده



۴ مصوبه، بیان اشکالات برای نقد و شناخت مسائل را به طور مستدل و اصلاح طلبانه، بلامانع دانسته است. تبصره‌ای مفید که البته قیود متعددی دارد و مشمول آن شدن، صعب‌العبور است.

۸. «اخلال و تشکیک در وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور»، جهت دیگری از ممیزی سیاسی کتاب است که در قالب کتاب پذیرفته نبوده و قوانین اساسی و عادی، اقدام عملی در این زمینه را قذغن نموده‌اند. لذا تا تکثر افکار و اندیشه‌ها عیان نشود، نمی‌توان از عناصر واقعی مقوم وحدت ملی دفاع نمود.

بنابراین حدود قانونی عنوان شده در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، در غالب موارد با قوانین مغایرت دارد و شایسته اصلاح اساسی در زمینه ممیزی سیاسی کتاب است.



۱. کتاب‌ها

- انصاری، باقر و سیده مهلا امامی‌الطریقی، آزادی بیان و جرائم تحریک در حقوق بین‌الملل، تهران: چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰.
- انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ ششم، ۱۳۹۱.
- دانش پژوه، مصطفی، منابع حقوق، تهران: جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ چهل و چهارم، ۱۳۹۲.
- ماندل، رابرت. چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشگرده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشگرده مطالعات راهبردی، چاپ اول ۱۳۷۷.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین (جلد اول)، تهران: ادنا، چاپ چهارم ۱۳۸۶.

۲. مقاله‌ها

- آگاه، وحید، تیغ و ابریشم: تحلیل مبانی نظری آثار سینمایی، پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۹، دوره نوزدهم، شماره ۴۱، صص ۲۰۰-۱۷۷.
- آگاه، وحید، تحلیل ممیزی اخلاقی، سیاسی و فرهنگی- اجتماعی آثار سینمایی در حقوق موضوعه و رویه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علمی مطالعات فرهنگ- ارتباطات، ۱۴۰۱، سال بیست‌وسوم، شماره ۵۷، صص ۱۹۷-۲۲۰.
- استوار سنگری، کورش، مفهوم دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق اساسی، ۱۳۸۸، دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۸۶-۴۹.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و سید درید موسوی مجاب، تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق اسلامی، ۱۳۸۵، شماره ۹، صص ۱۴۰-۱۲۳.
- حسینی، سیدحسین و محسن پورمحمدی، مجید شایگان فرد، ابهام در جرم‌انگاری بغی،



- مجلس و راهبرد، ۱۴۰۲، سال ۳، شماره ۱۰۴، صص ۱۹۳-۱۶۳.
- دریائی، رضا و جمشید غلاملو، توهین، افترا و نشر اکاذیب تعزیری؛ از جرم‌انگاری تا جرم‌زدایی با تأکید بر الگوی حقوق مدنی، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۴۰۱، دوره ۱۹، شماره ۲۳، صص ۲۴۰-۲۰۳.
 - زارعی، بهادر و یاشار ذکی، اصل تمامیت ارضی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۱۳۹۰، دوره ۴۳، شماره ۴ (پیاپی ۷۸)، صص ۲۳۶-۲۲۱.
 - فخر، حسین و مینا دیبامهر، نقدی بر جرم‌انگاری فعالیت تبلیغی در پرتو اصل آزادی بیان، حقوق اسلامی، ۱۳۹۷، سال پانزدهم، شماره ۵۷، صص ۱۵۵-۱۲۵.
 - کدخدایی، عباسعلی و ریحانه ریخته گر برنجی، رویکرد حقوق بین الملل در خصوص تبلیغات خصمانه برای جنگ (پروپاگاندا)، مطالعات حقوق عمومی، ۱۳۹۷، دوره ۴۸، شماره ۳، صص ۵۴۵-۵۲۵.
 - کریمی، سحر و اژدر پیری سارمانلو، گفتمان امنیت ملی در چهارچوب ارتقای سطح علمی دانشگاه‌ها، پژوهش ملل، ۱۳۹۵، دوره ۱، شماره ۵، صص ۷-۱.
 - گلدستون، جک. ترجمه آسیه حایری یزدی، انقلاب، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی (ویژه‌نامه انقلاب، آموزش عالی و جامعه)، ۱۳۹۷، دوره ۸، شماره ۲۶، ص ۲۵۴.
 - مرادزاده، علی، تحلیلی بر ماهیت و کارکرد استکبار، ماهنامه امید انقلاب، ۱۳۸۸، پیاپی ۴۰۵، صص ۳۷-۳۴.
 - منصور، علیرضا، درباره خودمختاری صنعت رسانه و تبلیغات، دو فصلنامه رسانه و فرهنگ، ۱۳۹۱، سال دوم، شماره ۱ (پیاپی ۳)، صص ۷۲-۴۹.
 - موسوی، فضل‌الله و محسن سیرغانی، مژگان رامین‌نیا، حسن حسین‌زاده، امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در پرتو منشور ملل متحد با تأکید بر مبانی و اهداف انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶، دوره ۶، شماره ۱، (پیاپی ۲۰)، صص ۲۱۵-۱۹۷.
 - ، انقلاب و تبلیغات، فصلنامه حوزه، ۱۳۶۶، دوره چهارم، شماره ۱۹، صص ۱۶-۳.

۳. قوانین و مقررات

- آیین‌نامه اجرایی قانون انتشارات اسناد طبقه‌بندی شده وزارت امور خارجه، مصوب ۱۳۶۵/۴/۴.
- آیین‌نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات، مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱.
- آیین‌نامه نظارت بر تولید و نشر آثار ادبی و تاریخی دفاع مقدس، مصوب ۱۳۹۶/۱۱/۲۶.



- اساسنامه بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، مصوب ۱۳۸۷/۸/۱۸.
- اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵.
- تصویب‌نامه راجع به حفظ حقوق تاریخی و ملی جمهوری اسلامی ایران در خصوص نام «خلیج فارس»، مصوب ۱۳۸۳/۱/۲۶.
- قانون اجازه‌الحاق دولت شاهنشاهی ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷.
- قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۶/۷/۷.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸/۱/۱۰.
- قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸)، (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴.
- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی، مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۷.
- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶.
- قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۲.
- قانون جرائم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸/۳/۵.
- قانون جرم سیاسی، مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰.
- قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۱۳.
- قانون مجازات اسلامی - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵/۳/۲.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.
- قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی، مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹.
- قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹.
- قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲.
- قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، مصوب ۱۳۹۵/۸/۲۶.
- مصوبه اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب، مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- منشور حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۹۵/۹/۲۹.



An Old Case:

Political Censorship of Book in Law of Iran

Vahid Agah¹, Zohreh Baradaranmofid Astaneh²

Abstract

Despite the protection of freedom of expression in the Iranian Constitution, books are subject to censorship in statutory law. According to Article 4 of the “Amendment Resolution on the Objectives, Policies, and Rules of Book Publishing” approved in 2010 by the Supreme Council of the Cultural Revolution, cases under the heading of “Politics and Society” are listed as being subject to political censorship. In this study, regardless of the fact that the Council does not have the authority to impose restrictions on freedom of expression, the aspects of political censorship in the Council’s resolution have been measured against the laws. However, the results indicate that the Council’s regulation does not conflict with the laws in cases of insulting officials and illegal disclosure of classified documents. However, the audited aspects entitled “propaganda and opposition to the constitution and the revolution”, “inciting society to revolt against the system and the revolution”, “promoting counter-revolutionary elements and secular and monarchical systems”, “propaganda of dependence on hegemonic powers and opposition to the country’s independence”, “propaganda against national interests and security and making the system appear ineffective”, and “disturbing and doubting the national unity and territorial integrity of the country”, are contrary to the law for the following reasons: “the historical nature of the revolution phenomenon and the impossibility of criminalizing opposition to history, the prediction of the crime of propaganda activity against the system in the law and the need for uprising against the government to take practical action, the impossibility of absolute opposition or agreement with various political regimes, which are concepts of public law and political science, the irrationality of introducing scientific ideas and terms as a red line in the book, the vagueness and generality of the terms security or national interests and deriving multiple crimes from them”; which call for their amendment.

Keywords: freedom of expression, book law, censorship, political censorship, Ministry of Culture and Islamic Guidance

1. Assistant Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba’i University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), v_agah@yahoo.com

2. M.A Communications law, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba’i University, Tehran, Iran. s.mofidastaneh@gmail.com